

”

من مستندساز دوست دارم موضوعاتی کارکنم که بکر باشند. دیدم ارتش عملیاتها و مأموریت هایی را در زمان جنگ و بعد از جنگ انجام داده که هیچ جا گفته نشده است؛ آنقدر بکر است که حد ندارد!

و مادر هستم. می‌گویند مستندسازها معمولاً یک مدل دیگر هستند و سبک زندگی متفاوتی دارند. تلقی عمومی از حوزه سینما جور دیگری است.

◀ درباره کارهایتان توضیح می‌دهید؟

اولین کارم یک مستند ۷ قسمتی بود راجع به هفت تن از شهدای مدافع حرم ارتش. بعد از آن هم مستند «خشب‌های خالی» درباره کلاه‌سبزه‌های ارتش بود. بعد از آن هم «متل» یک کار اجتماعی است و بعد از آن مستند «منفی ۳۸ درجه» و «پیش‌مرگان عرب» که درباره فداکاری عرب‌های منطقه هویزه در نجات یکی از خلبانان جنگنده سقوط کرده ایرانی است. مستندی هم راجع به یکی از سرداران سپاه ساختیم به نام «نامه‌ای برای ابراهیم». یک مستند داستانی اجتماعی هم ساختم به نام «طوبی» که پیرامون مسأله سقط جنین است. بعد از آن، «بر فراز چهارزبر» است و سپس «اگلانتین» که فانوس جشنواره عمار سال ۹۹ در بخش ملت قهرمان را مال خود کرد و برنده مستند بلند بخش اصلی هفدهمین جشنواره بین‌المللی مقاومت شد. بعد از اگلانتین هم چند تا کار دارم انجام می‌دهم؛ چون هنوز کامل نشده و دارم تدوین می‌زنم، فعلاً به جزئیاتش اشاره نمی‌کنم؛ اما یکی‌شان یک مستند سریالی نظامی و میدانی است که ۳-۴ سالی رویش وقت گذاشته‌ام و به جرأت می‌توانم بگویم مشابه آن در ایران ساخته نشده است.

◀ شما فکر می‌کنید چه عواملی باعث می‌شود که خانم‌ها

به سمت مستندسازی نروند؟
حالا نه در موضوعات نظامی که شاید خاص باشد، بلکه در مجموع حضور خانم‌ها در این حوزه کم‌رنگ است.

من چند تا دلیل برایش دارم؛ تجربه‌ام نشان داده است که اولاً خانم‌ها خیلی زود ناامید می‌شوند. من وارد کار شدم همه می‌گفتند که یکی ۲ تا کار نظامی کند، می‌کشد کنار. روزهای اول اتفاقاً همکاری‌ها خیلی با من بیشتر بود، بعد که دیدند نمی‌کشم کنار، یکم سخت‌تر شد. ولی من واقعاً نیامده بودم ۲ تا کار انجام بدهم و بروم، این عشق من بود علاقه من بود نمی‌توانستم بروم کنار. خانم‌ها می‌بینند که همکاری نیست، زود دلسرد می‌شوند. فکر می‌کنند که باید همه چیز روی اصول باشد؛ در حالی که دنیای سینما و مستند رحم ندارد. من خودم شده بارها وسط کار گریه‌ام گرفته از بس اذیتم کردند بابت هماهنگی، مجوز و... می‌خواستم بگویم که بابا تمام شد من دیگر نمی‌آیم! یا توهین شنیده بودم، عصبی و کلافه شده بودم و اوج خستگی‌ام بود، اشک‌هایم را پاک کردم؛ اصلاً انگارانه انگار که نیم‌ساعت قبل یکی آمده اینجا به من بد و بیراه گفته است. مستندساز باید اینطوری پوست‌کلفت باشد و گرنه به درد نمی‌خورد، خانم و آقا هم ندارد. برای مستندسازی، باید از حاشیه امن خودت بیایی بیرون. گاهی حتی آقایان هم سر تصویربرداری کم می‌آورند. کار سخت است باید تحمل کنی دیگر. سوژه‌های گل و بلبل که جذابیت ندارد برای مخاطب، باید یک سوژه خاص پیدا کنی، باید یک

